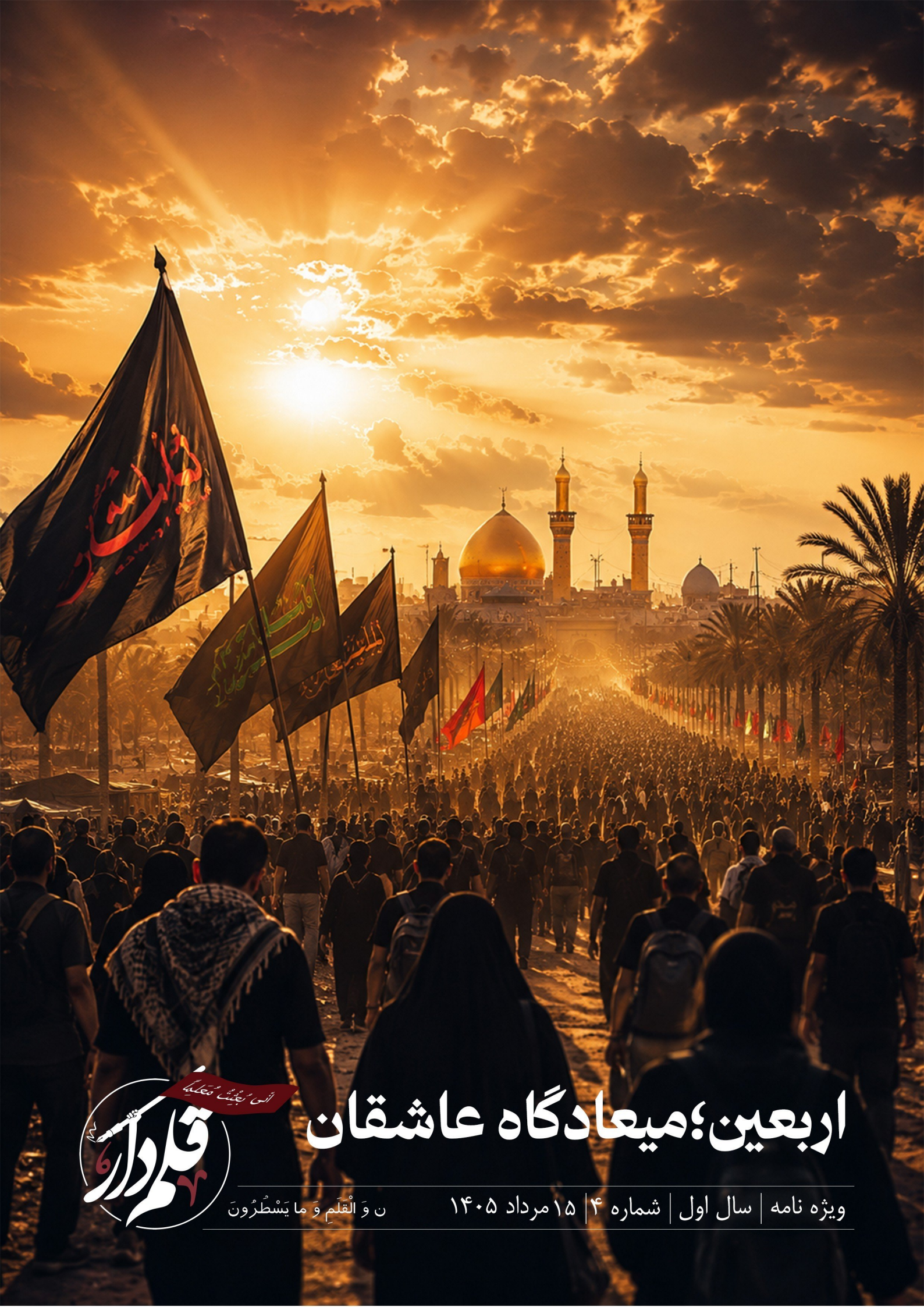




اربعین؛ میعادگاه عاشقان

ن وَالْقَلَمَ وَ مَا يَسْطُرُونَ

ویژه نامه | سال اول | شماره ۴ | ۱۵ مرداد ۱۴۰۵

موکب روایت خدمت

✍ نویسنده: محمد فدایی

در میان غبار مسیرهای کربلا، موکب‌ها چون نگین‌هایی بر تارک این رادیسمای عظیم می‌درخشند. آنها فقط چادرهایی در حاشیه جاده‌ها نیستند؛ جلوه‌گاه ایثار و خدمت‌گزاری به مکتبی‌اند که عشق به آن در قلب شیفتگان حسینی ریشه دوانده است.

موکب، تجلی عینی درس‌های کربلاست: زینب‌وار، خدمت‌گزار و اسوه صبر است و عباس‌وار، سقایی که دستی در بخشش و دستی در وفاداری دارد. هر جام آب، یادآور عطش علی اصغر (ع) است و هر لقمه نان، احیای سنت ضیافت اهل بیت در دل صحرای نینوا.

شگفت‌انگیز آنکه این ایثار، مرزهای جغرافیا و زبان را در می‌نوردد. موکب‌داران ایرانی، عراقی، پاکستانی و لبنانی در کنار هم، ذیل پرچم «هل من ناصر ینصرنی» امت واحده حسینی را شکل می‌دهند.

خدمت در موکب، عبادتی فریاست. جوانانی که با آب و لب‌خند به زائران خدمت می‌کنند، پیرمردانی که با قامت خمیده تکیه‌گاه خستگی‌های پیاده‌روان‌اند، بانوانی که پشت چادرها مهر مادری می‌پاشند؛ همه مصداق «یَجِبُونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ» هستند. ایثارگران این مسیر، سرمایه عمر و مال را در طبق اخلاص می‌نهند.

اما عمق این خدمت، فراتر از نیازهای مادی است. موکب، کاروانسرای دل‌های زائر است؛ جایی که غبار تنهایی زدوده می‌شود و ورد لب خادمان «یا حسین»، روح تشنه را سیراب می‌کند. اینجا عاطفه در بلندای معرفت به پرواز درمی‌آید.

آری، موکب نه یک پدیده خدماتی، که یک نظام تربیتی برخاسته از دل حماسه عاشورا است و الگویی بنظر از همدلی و ایثار را به جهان عرضه می‌کند. کاروان این خیمه گاه عشق، هر سال با صلابت تمام فریاد می‌زند: «اِنَّ الْحُسَيْنَ مَصْبَاحُ الْهُدَى وَ سَفِينَةُ النَّجَا».



قدم در مسیر عشق

ظہیر چهارشنبه، هفتم مردادماه ۱۴۰۵، کاروان پیاده‌روی اربعین دانشگاه فرهنگیان کرمانشاه، پس از وداع با شهید گمنام دانشگاه، راهی دیار نور شد.

این کاروان، متشکل از هیئت رئیسه، کارکنان، دانشجویان و خانواده‌هایشان، نه فقط یک سفر زیارتی، که تجسمی از پیوند «معلمی» و «بصیرت» بود. همان‌ها که در کلاس‌های درس، راوی فرهنگ عاشورا بودند، این بار خود در مسیر حسین (ع) قدم نهادند تا درس امسال را نه با کلام، که با جان تجربه کنند.

از مزار شهید گمنام تا حریم سیدالشهدا؛ مسیری که با پای عشق پیموده شد.

اربعین؛ از مسیر تا مدرسه

✍ نویسنده: سیده زهره موسوی فرد

اربعین حسینی، فراتر از یک حرکت آیینی، رسانه‌ای بنظر و کلاسی انسان‌ساز است. این رویداد عظیم، ظرفیتی تمدن‌ساز برای بازسازی هویت دینی و سبک زندگی دارد اما پرسش اساسی این است: چگونه می‌توان این گنجینه معنا را به نسل نو که با فضای مجازی و شبهات فراوان روبه‌روست، منتقل کرد؟ پاسخ، در جایگاه رفیع معلمان و دانشجو معلمان، نهفته است. نخستین گام تحول در نگاه به اربعین است. اربعین را نه یک واقعه سالانه، که جریان فرهنگی و تربیتی زنده باید دانست. این نگاه، معلم را از انتقال‌دهنده صرف اطلاعات، به مفسر و مبین فرهنگ ارتقا می‌دهد. پیش از هر اقدام، خود معلمان باید به فهم عمیقی از ابعاد گوناگون اربعین دست یابند. برگزاری دوره‌های آموزشی با محوریت «معانی فکری اربعین»، «مسئله‌شناسی راهبردی» و «آسیب‌شناسی اجتماعی» زمینه‌ساز این آمادگی است. شرکت در پیاده‌روی اربعین نیز خود کارگاهی عملی برای خودسازی، صبر و تقویت دینداری است.

روش‌هایی چون روایتگری عاطفی، آموزش غیرمستقیم و استفاده از هنر و نمایش در نهادینه‌کردن فرهنگ اربعین مؤثر است. بازگویی داستان‌های زنان عاشورایی و یاران باوفا، برگزاری مسابقات نقاشی و سفرنامه‌نویسی، و خلق موقعیت‌های آموزشی برای کشف معانی توسط خود دانش‌آموز، ماندگاری پیام را افزایش می‌دهد. نکته‌ای بعدی این است که اربعین را باید به مدرسه‌ای زنده تبدیل کرد. تسهیل حضور دانش‌آموزان در پیاده‌روی اربعین و مراسم جاماندگان، آن‌ها را با فرهنگ مقاومت و عدالت‌محوری به طور عینی آشنا می‌سازد باید توجه داشته باشیم که «جihad تبیین» در زمینه فرهنگ اربعین یک ضرورت است. معلمان با گفت‌وگو با دانش‌آموزان و تعامل با خانواده‌ها، می‌توانند اربعین را از واقعه‌ای سالانه به گفت‌وگویی جاری تبدیل کنند. این گفت‌وگوها باید زبان نسل امروز است.

دانشجو معلمان می‌توانند با تولید محتوای مکتوب، چندرسانه‌ای و نرم‌افزاری، به تبیین بهتر این فرهنگ بپردازند. مستندسازی تجربیات موکب‌داری و برگزاری گفت‌وگوهای بین‌نسلی از دیگر راهکارهاست. اربعین، مفاهیمی چون استکبارستیزی، آزادی، ایثار و اخوت ایمانی را به صورت عملی به نمایش می‌گذارد. معلمان، به مثابه وارثان انبیا، مسئولیت خطیری در انتقال این گنجینه به نسل نو دارند. این، رسالت بزرگ معلمی در گام دوم انقلاب است؛ رسالتی که با تربیت نسلی متعهد و حسینی، زمینه‌ساز تمدن نوین اسلامی خواهد بود.

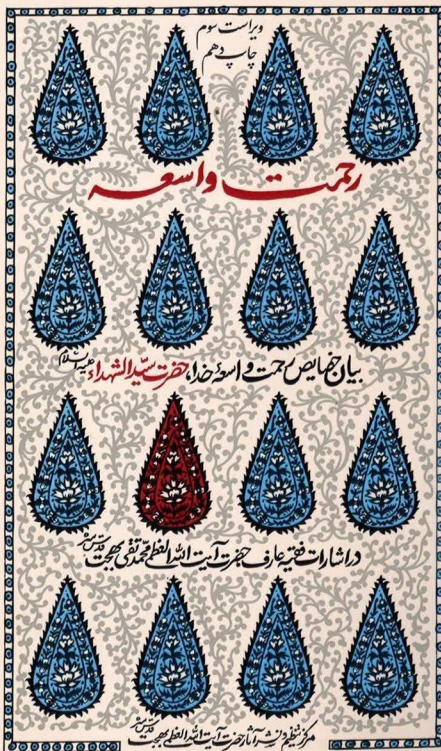


«اینجا کلاس درس عشق است؛ مشق خدمت به زائر، اولین درس تربیت در مسیر حسین (ع)»

از تاریخ ۲۲ تا ۲۷ مرداد ۱۴۰۵، موکب «شهدای دانشجو معلم» دانشگاه فرهنگیان استان کرمانشاه با استعانت از فیوضات شهدا در مسیر زائران ابا عبدالله (ع) ایستاد تا شکوه خدمت‌رسانی را با روح معنویت پیوند بزند. این موکب در این ۶ روز، فراتر از یک ایستگاه، به پناهگاهی برای خستگی‌های راه بدل شد؛ از فراهم آوردن وعده‌های ناهار و شام با طعم اخلاص گرفته تا تأمین اسکان و استراحت زائران، همگی با تکریم زائر و با هدف تجلی فرهنگ مقاومت صورت پذیرفت. دانشجو معلمان دانشگاه فرهنگیان کرمانشاه در این ایام، با تبلور پیوند میان «دانش» و «ایثار»، نشان دادند که راه تربیت، از مسیر خدمت به زائران حسین (ع) می‌گذرد. این فعالیت، نه تنها امدادسانی، بلکه تجلی عهد میان نسل نو و میراث خوین شهدای راه حق بود. همچنین لازم به ذکر است که علاوه بر موکب، امسال برای اولین بار کاروانی متشکل از ۶۰ نفر را به کربلا و نجف مقدس اعزام کردند.

موکب شهدای دانشجو معلم دانشگاه فرهنگیان کرمانشاه / مرداد ۱۴۰۵

معرفی کتاب



سلوک در باران اشک؛ خوانشی معرفتی از منشور عاشورا

کتاب «رحمت واسعه» صرفاً یک کتاب تاریخی یا مقتل‌خوانی ساده نیست؛ بلکه دریچه‌ای است به جهان‌بینی عرفانی و سلوکی یکی از بزرگترین عرفای معاصر، حضرت آیت‌الله بهجت (ره). خط فکری حاکم بر کتاب، پیوند میان عقلانیت، شریعت و محبت بیکران به امام حسین (ع) است. آیت الله بهجت در این گفتارها نشان می‌دهد که چگونه زیارت، اشک ریختن و بهیوژه پیاده‌روی اربعین، نه فقط یک آیین مذهبی، بلکه یک مجاهدت نفسانی و سلوک الی‌الله است.

این کتاب برای مخاطبان جوان (۱۸ سال به بالا)، بهیوژه دانشجویان، طلاب عاشقان مکتب امام حسین است.

برشی کوتاه و گزیده از کتاب:

باید بدانیم رحمت واسعه امام حسین (ع) چقدر زیاد است. او با این کار خود، راهی باز کرد که هر کس در هر مرتبه‌ای از ایمان باشد، اگر به او پناه ببرد، نجات پیدا میکند. گریه بر سیدالشهدا از تمام مستحبات بالاتر است، چرا که این اشک، غبار روی دل را می‌شوید و پیوند میان بنده و خدا را محکم می‌سازد.

علی چراغی

مسیر تمدن‌سازی اسلامی

اربعین حسینی، تنها یک مراسم مذهبی نیست؛ جلوه‌ای از حیات اجتماعی اسلام و نماد وحدت و مقاومت در برابر ظلم است. از همین رو، می‌توان آن را زمینه‌ساز شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی دانست؛ تمدنی بر پایه عدالت، معنویت و کرامت انسانی. خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران، ۱۰۳). اربعین، تجلی عملی این فرمان است؛ میلیون‌ها مسلمان با وجود تفاوت‌های قومی و فرهنگی، حول محور محبت اهل بیت (ع) متحد می‌شوند. این همبستگی، سرمایه‌ای برای ایجاد جامعه‌ای مقتدر بر پایه ارزش‌های الهی است. فرهنگ خدمت‌رسانی در اربعین نیز نمونه‌ای بی‌نظیر از ایثار و مواسات اسلامی است. پذیرایی بی‌چشمداشت از زائران، مصداق فرمایش پیامبر اکرم (ص) است: «خَيْرُ النَّاسِ أَنْفَقُهُمْ لِلنَّاسِ». چنین فرهنگی، زیربنای جامعه‌ای است که در آن تعاون و مسئولیت‌پذیری جایگزین فردگرایی می‌شود. تمدن نوین اسلامی زمانی شکل می‌گیرد که ایمان، اخلاق، علم و مشارکت اجتماعی در کنار هم قرار گیرند. اربعین، بستری برای تمرین این ارزش‌هاست؛ زائران صبر، نظم، گذشت و همکاری را در عمل تجربه می‌کنند. رهبر معظم انقلاب، اربعین را «سازمان بزرگ و بی‌بدیل» و نماد قدرت نرم اسلام دانسته‌اند. این حرکت عظیم نشان می‌دهد امت اسلامی توانایی حرکت در مسیر آرمان‌های الهی را دارد. حکومت نوین اسلامی بدون وحدت اجتماعی و پایداری به ارزش‌های دینی تحقق نمی‌یابد. اربعین با تقویت هویت اسلامی و فرهنگ مقاومت، انسان‌هایی را برای مشارکت در ساخت جامعه‌ای عادلانه تربیت می‌کند. بنابراین، اربعین خیزشی اجتماعی و تمدن‌ساز است که پیام عاشورا را از یک واقعه تاریخی به الگویی زنده برای آینده جهان اسلام تبدیل کرده است.

✍ نویسنده: رضا رضایی



از کربلا تا قدس

«وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»

ایستاده‌ایم در آستانه اربعینی دیگر. اما نه اربعینی که صرفاً تقویمی برای شمارش چهل روز بر داغ حسین (ع) باشد، که اربعین امسال، در امتداد تاریخی ایستاده که از نینوا تا قدس، یک حقیقت واحد را فریاد می‌زند: جبهه حق و باطل تعطیل‌بردار نیست؛ فقط چهره‌ها عوض می‌شوند، اما نبرد همان نبرد است. اینجااست که اربعین، دیگر نه یک مناسک، که یک مکتب می‌شود؛ مکتبی برای شناخت حسین زمان و یزید زمان.



پرسشی بنیادین این است: ما که هر سال پای بر خاک می‌گذاریم که خون‌پهای توحید بر آن جاری شد، آیا چشمانمان به تشخیص حق و باطل امروز بینا شده است؟ اربعین باید به ما پیامورده که یزید، یک استثنای تاریخی نبود، بلکه یک جریان است؛ نظامی فکری-سیاسی که در هر عصر جامعه تازه‌ای بر تن می‌کند؛ گاهی در ردای خلافت، گاهی در نقاب قدرت‌های مدرن، اما ماهیتش یکی است: زیاده‌خواهی در برابر حق.

درست در همین میدان، حسین زمان نیز معنا می‌یابد. حسین، تنها یک شخص نیست؛ یک مکتب و یک راه است بر پایه کرامت انسان و ایستادگی در برابر ظلم. هر ملیت و جبهه‌ای که امروز جان و توان خود را برای پاسداری از انسانیت فدا می‌کند، حسین‌وار «هَيْهَاتَ مِنَّا الذُّلَّةُ» را نه با شعار، که با ایثار و پایداری ترجمه می‌کند. اربعین، تمرین امت واحد شدن است. موکب‌ها مرزها را در هم می‌شکنند. زائر ایرانی، عراقی، لبنانی، یمنی و پاکستانی، زیر پرچم واحد و برای هدف واحد قدم برمی‌دارند. اینجااست که راه کربلا، یک‌راست به قدس می‌رسد؛ قدس، قبله‌گاه آزادگان جهان، همان‌طور که کربلا مظهر ایستادگی حق بود. اگر امروز جبهه مقاومت، از تهران تا صنعاء، از بیروت تا غزه، یک‌صدا در برابر زیاده‌خواهی قدرت‌های سلطه‌گر ایستاده، نمره همان بصیرتی است که اربعین می‌آموزد. زیارت اربعین را که می‌خوانیم، دل و جانمان را با راه امام پیوند می‌زنیم. این هم‌دلی با رهبران الهی، حلقه وصل مقاومت است که از حسین (ع) تا مهدی (عج) و از کربلا تا قدس امتداد دارد. پس بیاییم امسال، اربعین را نه فقط با پاها، که با عقل و دل معلم‌وارمان پیاده‌روی کنیم. ما دانشجو-معلمان رسالتی دوچندان داریم: چشمان خود را به حقایق زمانه بکشاییم تا نسلی تربیت کنیم که یزید را از حسین تمیز دهد. اگر مکتب اربعین به شناخت حسین زمان و یزید زمان ختم نشود، در همان پیاده‌روی و موکب متوقف مانده ایم. اربعین، دانشگاه جهانی است. استادش حسین (ع)، درسش بصیرت، و آزمون نهایی‌اش ایستادن در صف حق.

✍ نویسنده: دیده بان حق هیئت تحریریه شهید صدوقی

روایت دل های جامانده



اربعین، تجلی شور هستی در رگ‌های زمین است؛ آن‌گاه که جاده‌ها به احترام گام‌های عاشقان، آغوش می‌گشایند و غبار راه، سرمه‌ی چشمان مشتاقان می‌شود. اما در پس این هیاهوی قدسی، زخمی پنهان در جان گروهی است که تقدیر، میان آن‌ها و قدم نهادن در این راه پیمایی، دیوار کشیده است؛ «جامانده‌گان». جاماندن، تنها نرفتن نیست؛ جاماندن، قصه‌ی غریبانه‌ی دلی است که در میان تپش‌های هروله، ضرب‌آهنگ خویش را گم کرده است. گویی تمام جاده، تمام ستون‌های قرار، و تمام عطری که از خیمه‌گاه اباعبدالله برمی‌خیزد، در آینه‌ی خیال جامانده، تصویری می‌سازد از «نشدن»؛ و این، طعم گس حسرتی است که تنها با اشک‌های نیمه‌شب، شیرین می‌شود. اما ای دل در بند خانه! می‌بادا گمان کنی که کربلا تنها در مختصات جغرافیایی عراق خلاصه می‌شود. کربلا، سرزمینی است به وسعت تمام جان‌های قرار. تو که دستت از ضریح شش‌گوشه کوتاه است، در آستانه‌ی دلت روضه‌ای به پا کن. بگذار اشک‌هایت، همان آبی باشد که زائران در مسیر فرات برای تشنگی حسین می‌ریزند. کسی که در وطن، با یاد حسین فاطمه (س) می‌سوزد، در حقیقت، خود حرم است. چه بسا کسانی که پیاده از نجف تا کربلا را طی کرده‌اند، اما در مقصد، خود را نیافته‌اند؛ و چه بسا جاماندگانی که در کنج تنهایی، با هر قطره اشک، کیلومترها مسیر معرفت را در یک آن طی کرده‌اند. اربعین، مدرسه‌ی «حضور» است. حضور در مکتبی که معلمش، خون خداست و دانش‌آموزانش، تمام آزادگان تاریخ. تو که جامانده‌ای، نباید از کاروان حسینی دور بمانی؛ که حسین (ع) خیمه‌اش را در دل‌های شکسته برپا کرده است. اگر پایت به جاده نرسید، تلاشت را در میدان بندگی زینی مصروف کن؛ در یاری مظلوم، در انتشار حقیقت، و در حفظ همان شعله‌ای که در جان شهدای راه حق — آنانی که پیش از ما به سرمزل مقصود رسیدند — شعله‌ور بود. جاماندن، ایستگاه توقف نیست؛ سکوی پرتابی است برای رسیدن به اوج اخلاص. شاید خداوند تو را در این سو نکه داشته تا سفیر پیام حسین (ع) در دیار خویش باشی. اربعین، در قلب توست؛ آن‌جا که هر روز «لبیک یا حسین» را تکرار می‌کنی و در انتظار روزی هستی که زنجیرهای تقدیر گسسته شوند و تو نیز، بقرار، در افق روشن بین‌الحرمین، به آغوش یار برسی. آری، زائر اصلی، دلی است که جا نمانده است؛ و تو، اگر عشق داری، در قافله‌ای

جرعه‌هایی ناب از قلم همکاران

در این شماره، علاوه بر متونی که خواندید، قلم‌های پر مهر دیگری نیز در وادی عشق حسینی جاری شد. آنچه می‌خوانید، جرعه‌هایی است از این چشمه‌های زلال، به رسم قدر شناسی از هم قلم‌انمان

زهره محمدی آموزش الهیات

این خیزش اجتماعی به ما می‌آموزد که حکومت بیش از آن‌که مجموعه‌ای از قوانین و سازمان‌ها باشد، تجلی‌گاه روح خدمت و ایثار یک ملت است

شکوفه یوسفی آموزش ابتدایی

نسل نو مادامی می‌تواند با این فرهنگ ارتباط بگیرد که مفاهیمی چون عدالت‌خواهی، آزادی، نوع دوستی و نپذیرفتن ذلت را در زندگی روزمره لمس کند

محمد رضا حاتمی

موکب یعنی جایی که رنگ‌ها محو می‌شوند؛ نه «من» هست و نه «تو»؛ فقط «ما»یی که در آینه‌ی حسین (ع) به هم نگاه می‌کنیم

مینا یوسفی آموزش ابتدایی

موکب یعنی تو هم می‌توانی یک حسینی باشی؛ حتی با یک لیوان آب خنک و یک لبخند صمیمی. همین

میلاد ایرانی

در جنگ روایت‌ها، گاهی «راوی» مهم‌تر از «رویداد» است

شناسنامه

مدیر مسئول: ابوالفضل بنی عامریان | سردبیر: فاطمه حشمتیان | نشریه قلمدار | صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان کرمانشاه
تحریریه: سیده زهره موسوی فرد، علی چراغی، رضا رضایی، میلاد ایرانی، محمد فدایی، محمد رضا حاتمی، مینا یوسفی، زهره محمدی، شکوفه یوسفی | یا فاطمه الزهرا سلام الله علیها
ویژه نامه | سال اول | شماره ۴ | ۱۵ مرداد ماه ۱۴۰۵ | ن و القلم و ما یسطرون | @ghalamdar_nb